

## دفاع مشروع یا نقض قواعد بین‌المللی در ترور سردار سلیمانی

سیدجعفر حسینی<sup>۱</sup>، بهزاد میکائیلی<sup>۲</sup>

### چکیده

تا اوایل قرن بیستم جنگ و توسل به‌زور، مهم‌ترین اصل حاکم بر روابط میان کشورها محسوب می‌شد اما وقوع دو جنگ جهانی با فاصله اندک باعث شد تا واضعان منشور ملل متحد کاربرد زور را عامل ویرانگر روابط بین‌الملل شناخته و برای دوران پساجنگ، ممنوعیت توسل به‌زور را یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل قرار دهند. البته منشور ملل متحد، استثنائات در مواردی اقدام به اعمال حق ذاتی دفاع مشروع و نظام امنیت جمعی را جایز می‌داند. هدف این مقاله پاسخگویی به این سؤالات است که اولاً: جایگاه توسل به‌زور و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل کجاست؟ ثانیاً: اقدام آمریکا در ترور سردار سلیمانی مشروع بوده یا رفتاری است برای موجه سازی توسل به‌زور در روابط بین‌الملل؟ روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری با تحقیق کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد توسل به‌زور در حقوق بین‌الملل ممنوع بوده و حق دفاع مشروع دولت‌ها فقط زمانی که مورد حملات مسلحانه قرار می‌گیرند؛ به رسمیت شناخته شده است؛ بنابراین اقدام آمریکا مخالف صریح ماده ۵۱ منشور بوده و هیچ تجانس با دیگر اصول بین‌المللی ندارد.

### واژگان کلیدی

دفاع مشروع، ترور سردار سلیمانی، اصل عدم توسل به‌زور، ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹

۱. دکتری فقه و حقوق، مدرس گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

sjhosseini48@gmail.com

۲. مدرس گروه حقوق و معاون دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران.

behzadmikaili@gmail.com

## مقدمه

بامداد روز جمعه، سوم ژانویه سال ۲۰۲۰ میلادی، مصادف با سیزدهم دی ماه سال ۱۳۹۸ شمسی، دولت ایالات متحده آمریکا با نقض بسیاری از اصول و قواعد شناخته شده بین‌المللی، طی یک عملیات تروریستی، سردار قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس ایران را به همراه ابومهدی المهندس معاون تشکیلات حشدالشعبی عراق و عده‌ای دیگر از همراهانشان در حومه فرودگاه غیرنظامی بغداد با استفاده از هواپیمای بدون سرنشین مورد اصابت چند فروند موشک هدایت لیزری نقطه‌زن قرارداده و به شهادت رساند. این ترور ناجوانمردانه در حالی صورت گرفت که سردار سلیمانی بنا به دعوت رسمی عادل عبدالمهدی نخست‌وزیر وقت عراق به آن کشور مسافرت کرده بود. در پی این ترور هدفمند، رئیس‌جمهور آمریکا و برخی دیگر از مقامات آن کشور با طرح اتهامات واهی درصدد توجیه این جنایت بشری برآمدند. دونالد ترامپ با ادعای اینکه با این ترور جلوی حمله قریب‌الوقوع به منافع آمریکا را گرفته است اظهار داشت: دستور کشتن ژنرال ایرانی را دادم تا مانع جنگ شوم! ژنرال قاسم سلیمانی هزاران آمریکایی را در برهه‌ای از زمان کشته یا به شدت مجروح کرده بود و در حال برنامه‌ریزی برای کشتن تعداد بیشتری بود! اگرچه دولت آمریکا برای توجیه عمل ددمشانه خود، دلایلی را مطرح کرده است، اما بسیاری از حقوقدانان و اندیشمندان بر این باورند که هیچ‌یک از این دلایل، نمی‌تواند دلیل قانع‌کننده‌ای برای این جنایت بزدلانه در حوزه حقوق بین‌الملل باشد. چراکه ترور یکی از مسئولان رسمی و عالی‌رتبه کشوری آن هم در قلمرو حاکمیتی کشور دیگر، نقض آشکار اصول شناخته‌شده بین‌المللی محسوب شده و به‌هیچ‌وجه از نظر قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل مشروع و قابل قبول نیست. وقاحت این ترور هدفمند به قدری زیاد بود که حتی مقامات داخلی آمریکا هم نسبت به این امر موضع‌گیری کردند. این نمونه آشکار تروریسم دولتی که با ادعای تدارک حملات قریب‌الوقوع علیه اهداف آمریکا انجام گرفت؛ فارغ از نکته نظرات اخلاقی، انسانی و سیاسی، در حوزه اصول و قواعد حقوق بین‌المللی نیز سؤالات مهمی را مطرح می‌سازد: اولاً جایگاه کاربرد زور، دفاع مشروع و عملیات پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل کجاست؟ ثانیاً آیا اقدام دولت آمریکا در ترور سردار سلیمانی مبتنی بر قواعد بین‌المللی است یا رفتاری است برای موجه سازی و قابل قبول وانمود کردن توسل به زور در روابط بین‌الملل؟ پاسخ به این پرسش‌ها به بررسی دقیق‌تر موضوع و تحلیل جامع آن در پرتو اصول و قواعد شناخته‌شده بین‌المللی می‌انجامد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی و برای گردآوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری با مطالعه کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. این نوشتار سعی دارد ضمن استناد به اصول و قواعد بین‌المللی در آغاز کلیاتی در مورد مفهوم توسل به زور و دفاع

مشروع در حقوق بین‌الملل مطرح کرده سپس دکترین «دفاع مشروع پیشگیرانه» آمریکا را مورد تتبع قرار دهد و بعد به ابعاد مختلف حقوقی و قانونی ترور سردار سلیمانی و اصول و قواعد نقض شده در این واقعه پرداخته و در پایان نتایج پژوهش را عرضه نماید.

### پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش‌های مختلفی در خصوص ابعاد مختلف حقوقی و بین‌المللی ترور سردار سلیمانی توسط ایالات متحده آمریکا انجام شده است که در ادامه مطالب، به اهم موارد اشاره شده است. رشیدی و مشهدی (۱۳۹۹) در راستای بررسی مهم‌ترین راهکارهای حقوقی ایران در واکنش به ترور سردار سلیمانی، بدین نتیجه دست یافته‌اند که با توجه به اقدام آمریکا در به قتل رساندن سردار سلیمانی و ابو مهدی المهندس، نقض فاحش قواعد پایه‌ای حقوق بین‌الملل و مصداق بارز تروریسم دولتی بوده، نظام حقوق بین‌الملل و نیز نظام‌های داخلی کشورها بستر لازم را برای طرح مسئولیت دولت آمریکا و نیز مقامات دولتی و فرماندهان این کشور را که در این واقعه مشارکت داشته‌اند را فراهم نموده است. هدف مطالعه فضایی (۱۳۹۹) بررسی ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به‌زور بوده است. یافته‌ها نشان داد یکی از چالش‌های مهم حقوق بین‌الملل حاکم بر توسل به‌زور مربوط به چگونگی تفسیر و اجرای موارد استثنایی است که در کنار اصل منع استفاده یا تهدید به استفاده از زور پذیرفته شده است. این چالش به‌ویژه در خصوص دفاع مشروع که ابتکار و صلاحدید آن به دولت‌ها سپرده شده است بیشتر بروز و ظهور داشته است. در این میان برخی قدرت‌های بزرگ، خصوصاً آمریکا سعی داشته است با تفسیر موسع از مفهوم دفاع مشروع دامنه این استثنا را تعمیم دهد. توجیهات ارائه شده از سوی آمریکا در ترور سردار سلیمانی یکی از مصادیق این رویکرد افراطی آمریکا در تعمیم دامنه استثنای توسل به‌زور در مقام دفاع از خود یا به‌اصطلاح دفاع مشروع بوده است. دهنوی، تقی‌زاده و رحیمی (۱۳۹۹) در راستای بررسی مسئولیت بین‌المللی آمریکا در قبال ترور سردار قاسم سلیمانی به این نتیجه دست یافته‌اند که با توجه به نص صریح ماده ۴ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت، ترور سردار سلیمانی توسط آمریکا عمل متخلفانه بین‌المللی بوده که متناسب به دولت آمریکا است و نقض تعهدات بین‌المللی از سوی آمریکا از جمله نقض اصل منع توسل به‌زور، نقض اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و منع مداخله، حمله به‌مثابه تجاوز، تروریسم دولتی و نقض حقوق بشر انجام پذیرفته است؛ بنابراین شکی در محرز بودن مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا وجود ندارد.

نتایج پژوهش ستایش پور و ملکی راد (۱۴۰۱) با عنوان «شهادت سردار سلیمانی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری: واکاوی تطبیقی سازوکارهای موجود در مقابله با بی‌کیفرمانی» بیانگر آن بود که در قضیه ترور سردار سلیمانی، قواعد مختلفی از جمله قاعده منع توسل به‌زور به‌عنوان یک قاعده آمره بین‌المللی، حق حیات به‌عنوان یک حق بشری و حقوق دیپلماتیک، توسط امریکا نقض شده است؛ بنابراین رسیدگی به چنین جنایتی به دلیل ابعاد گسترده حقوقی آن و مغایرت آن با قواعد بین‌المللی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

### روش پژوهش

روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری با تحقیق کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است.

### مبانی نظری پژوهش

با توجه به هدف این تحقیق که بررسی موارد نقض اصول و قواعد شناخته‌شده بین‌المللی در قضیه ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس توسط ایالات متحده امریکا است، نخست پیرامون مفهوم اصل عدم توسل به‌زور، دفاع مشروع، اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و منع مداخله، دفاع مشروع پیشگیرانه، حقوق بشر، حق حیات و همچنین تروریسم بحث خواهد شد و در ادامه، پژوهش‌های مشابه این تحقیق مورد تتبع قرار خواهد گرفت.

#### ۱. اصل عدم توسل به‌زور و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل

##### ۱-۱. اصل عدم توسل به‌زور<sup>۱</sup>

تا اوایل قرن بیستم در روابط میان کشورها، اصل جنگ و توسل به‌زور حاکم بود اما وقوع دو جنگ جهانی با فاصله اندک موجب گردید تا تنظیم‌کنندگان منشور ملل متحد کاربرد این اصل را عامل ویرانگر روابط بین‌الملل شناخته و برای دوران پس از جنگ، اصل عدم توسل به‌زور را جایگزین آن نمایند. واضعان منشور ملل متحد معتقد بودند که استفاده از نیروهای نظامی به‌عنوان ابزار تغییر وضع موجود سیاسی یا منطقه‌ای جامعه بین‌المللی مخاطره‌آمیز است. در نتیجه، منشور سازمان ملل در بند ۴ ماده ۲ به بیان موضوع توسل به‌زور پرداخته است. (جوینر، ۱۳۸۷: ۲۳۶) البته منشور، استثنائات در مواردی اقدام به اعمال حق ذاتی دفاع مشروع و نظام امنیت جمعی را جایز و قانونی می‌داند؛ بنابراین

اصل ممنوعیت توسل به زور، به‌عنوان یک قاعدهٔ آمره پس از جنگ دوم جهانی، در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است. بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد، دولت‌ها را در روابط بین‌المللی از تهدید یا توسل به زور منع کرده است: «اعضای سازمان ملل متحد در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی هر کشور یا هرگونه رفتاری که با اهداف ملل متحد مطابقت ندارد، خودداری خواهند نمود.» (دولت‌شاه، ۱۳۸۸: ۱۹). تنها استثنائات وارده بر این قاعدهٔ قراردادی موجود در منشور نیز در خود معاهده پیش‌بینی شده: «تحت مواد ۴۲ و ۵۳ منشور، شورای امنیت اجازه دارد در موارد خاص و با شرایط مشخص، استفاده از نیروی نظامی علیه یک دولت را به‌عنوان ابزاری در جهت استقرار صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار دهد.» مورد استثناء دیگر نیز، ماده ۵۱ منشور است. دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی خود در قضیهٔ کنگو علیه اوگاندا (۲۰۰۵) بر استثناء بودن ماده ۵۱ بر اصل عدم توسل به زور صحه گذاشته است: «ممنوعیت توسل به زور، بنیاد منشور سازمان ملل است» (حسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۳۱۰-۲۹۱).

## ۲-۱. دفاع مشروع<sup>۱</sup>

دفاع مشروع یکی از قواعد مهم حقوق بین‌الملل است که با اتمام جنگ دوم جهانی مورد توجه ویژه قرار گرفت. در ادوار گذشته دولت‌ها حق داشتند اختلافاتشان را با توسل به زور حل نمایند، اما وقوع دو جنگ جهانی با فاصلهٔ اندک و خسارات بی‌شمار باعث شد تا واضعان منشور ملل متحد برای دوران پساجنگ، ممنوعیت توسل به زور را اصل بنیادی امنیت بین‌الملل قرار دهند. منشور در بند ۴ ماده ۲، ممنوعیت عام و فراگیری برای توسل به زور مقرر داشت و تنها استثنائات آن را اقدامات قهری شورای امنیت و اقدام در جهت اعمال حق دفاع مشروع برشمرد. (محمدعلی‌پور، ۱۳۸۳: ۹) دفاع مشروع، مهم‌ترین استثناء بر اصل عدم توسل به زور (عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۳۶) و جزء لاینفک هر نظام حقوقی است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۵۴۳) ماده ۵۱ منشور می‌گوید: «در صورت وقوع حملهٔ مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه فردی یا دسته‌جمعی، لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند، فوراً به شورای امنیت گزارش نمایند. این اقدامات به‌هیچ‌وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت بر طبق این منشور دارد و به‌موجب آن برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در هر موقع که ضروری

تشخیص دهد، اقدام لازم به عمل آورد، تأثیری نخواهد داشت.» (ثقفی، ۱۳۷۰: ۱۵۱) با استناد به بند ۴ ماده ۲ و ماده ۵۱ منشور، می‌توان گفت که دفاع مشروع وسیله قانونی برای دفاع از حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی، کشوری است که مورد تجاوز واقع شده است (مبینی و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۳۲-۳۱۱) پس دفاع مشروع وقتی قابل استناد است که بعد از یک حمله نظامی صورت گرفته باشد. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۶) هانس کلسن می‌گوید: «حق دفاع مشروع، نمی‌تواند مفهوم دیگری غیر از آنچه از ماده ۵۱ منشور ملل متحد استنباط می‌شود، داشته باشد؛ بنابراین، به نظر کلسن، دفاع مشروع تنها در صورت حمله مسلحانه مطرح است. (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۲۹) از شرایط اصلی و اساسی استفاده از حق دفاع مشروع، وقوع تجاوز است به این معنا که باید تجاوزی صورت گیرد تا برای مقابله با آن استفاده از دفاع مشروع مجاز باشد. (خسروی، ۱۳۸۵: ۱۸۷) حقوق بین‌الملل معاصر نیز حق دفاع مشروع را برای دولت‌ها به رسمیت شناخته؛ اما محدوده حق تعریف نشده است. فقط لزوم اعمال محدودیت‌ها در به‌کارگیری زور از سوی دولت‌ها بود که ضرورت تعریف دفاع مشروع را در نظام حقوق بین‌الملل شدت بخشید. به‌اجمال می‌توان گفت: «دفاع مشروع حقی است که به‌عنوان استثنایی مهم بر اصل ممنوعیت کلی توسل به‌زور در روابط بین‌المللی، در ماده ۵۱ منشور، پیش‌بینی شده است و بر اساس آن، کشورها می‌توانند برای دفاع از خود و کشورهایی که با آن‌ها همبستگی سیاسی و امنیتی دارند، در مقابل حمله مسلحانه، به اقدام نظامی فوری مبادرت ورزند» (حسینی، ۱۳۹۱: ۷۳-۷۲).

### ۳-۱. اقدام آمریکا و اصل عدم توسل به‌زور

بر اساس آنچه که بیان گردید؛ مشخص است که بنیان منشور سازمان ملل متحد، فقط دو قاعده «اقدامات قهری شورای امنیت» و «دفاع مشروع» را به‌عنوان استثناء بر اصل ممنوعیت توسل به‌زور در روابط بین‌المللی برشمرده و به غیر آن دو، هرگونه کاربرد زور را در روابط بین‌الملل نامشروع و غیرقانونی اعلام نموده‌اند؛ بنابراین اقدام آمریکا در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، در واقع نقض آشکار اصل بنیادی عدم توسل به‌زور در روابط بین‌المللی است. بدان جهت که از یک‌طرف ایران، حمله مسلحانه‌ای را که توجیه‌گر توسل به اصل ۵۱ منشور سازمان ملل بوده باشد، علیه آمریکا انجام نداده است. از طرفی دیگر بین ایران و آمریکا، حالت جنگ مسلحانه‌ای وجود نداشته است تا قوانین جنگی که در زمان هدف‌گیری نظامیان دشمن، موجه و قانونی است، حاکم گردد. به‌موجب این دلایل، حمله صورت گرفته به سردار سلیمانی از این شرایط قانونی و مشروع برخوردار نبوده است و اتهامات وارده به وی و برشمردن سابقه‌اش، به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند توجیه‌گر مشروعیت ترور او و اقدام به دفاع

مشروع توسط آمریکا باشد؛ بنابراین، اقدام به ترور این سردار ایرانی به هیچ‌عنوان دفاع مشروع نبوده و در حقیقت مصداق بارز نقض قوانین و مقررات شناخته‌شده بین‌المللی است.

## ۲. اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و منع مداخله در حقوق بین‌الملل

### ۱-۲. اصل برابری حاکمیت دولت‌ها<sup>۱</sup>

اصل برابری حاکمیت‌ها یکی از مبانی حقوق بین‌الملل و لازمه حیات جامعه بین‌المللی معاصر است. منشور ملل متحد در مقدمه خود بالصراحه به تساوی بین ملت‌ها اشاره نموده و در پی آن، در بند ۱ ماده ۲ هم به اصل تساوی بین حاکمیت‌ها اشاره کرده است: «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضا آن قرار دارد.» (دولت‌شاه، ۱۳۸۸: ۱۹) البته اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها منحصر در این ماده نبوده بلکه اصول دیگری از منشور نیز مبنای خود را بر این اصل قائم کرده‌اند، اصل منع توسل به زور و اصل عدم‌مداخله از جمله این اصول هستند. اصل برابری حاکمیت دولت‌ها یعنی اینکه کلیه دولت‌ها دارای حق حاکمیت مساوی هستند و این شایستگی باید از سوی دولت‌های دیگر محترم شمرده شود. «اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل راجع به روابط و همکاری‌های دوستانه بین دولت‌ها»<sup>۲</sup> مصوب ۲۴ اکتبر ۱۹۷۰ تصریح می‌دارد: «همه دولت‌ها از برابری مبتنی بر حاکمیت برخوردارند. دولت‌ها حقوق و تکالیف برابر دارند و به‌رغم تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیتی و ...، اعضای برابر جامعه بین‌المللی شناخته می‌شوند.» برابری حقوقی دولت‌ها ایجاب می‌کند که هرگونه مداخله در امور داخلی دولت دیگر که باعث سلب حاکمیت و استقلال آن دولت می‌شود، انجام نپذیرد.

### ۲-۲. اصل عدم‌مداخله<sup>۳</sup>

اصل عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل و از جمله حقوق و تکالیف بنیادین کشورهاست که به‌موجب این اصل عام کشورها از مداخله در امور داخلی یکدیگر منع شده‌اند. اصل عدم‌مداخله ریشه در اصل تساوی حاکمیت دولت‌ها دارد. واضعان منشور ملل متحد تلاش کردند با اتکاء به اصل منع توسل به زور، دولت‌ها را از مداخله در امور داخلی یکدیگر منع نمایند.

1. The Principle of Equality of States
2. Declaraton on Principlic of International Law Canceming Friendly Relations And Coopertion Among States.
3. Non- Intervention

اصل احترام به حق حاکمیت، آزادی و استقلال یک ملت بی‌شک اجتناب از مداخله در امور داخلی آن ملت را ایجاب می‌کند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۳: ۳۵۷) مناسبات میان دو اصل حاکمیت و استقلال با اصل عدم مداخله بسیار تنگاتنگ است. تا آنجا که به نظر کاسسه «اصل عدم مداخله» ریشه خود را از حاکمیت می‌گیرد و هدف آن نیز تضمین احترام به حق حاکمیت کشورهاست. (کاسسه، ۱۳۷۰: ۸۰) همچنین عدم مداخله در حقوق بین‌الملل اصل مکمل حاکمیت است (میرمحمدی، ۱۳۹۱: ۲۲۶). بر پایه اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و منع مداخله، کشورها متعهد شده‌اند از دخالت و کاربرد زور در امور داخلی یکدیگر احتراز کرده و حاکمیت ملی همدیگر را محترم بشمارند.

دایره‌المعارف حقوق بین‌الملل مداخله را چنین تعریف می‌کند: «مداخله عبارت است از نفوذ همراه با فشار یک کشور در امور داخلی و خارجی کشوری دیگر به گونه‌ای که اراده حاکم کشور مورد مداخله نقض شده و آن کشور را به اتخاذ رفتاری خاص وارد نماید.»<sup>۱</sup> در تعریف فوق عمل مداخله با زور توأم است بدین معنا که کشوری با توسل به نیروی نظامی یا ابزارهای سیاسی و اقتصادی کشور دیگر را تحت فشار و کنترل خود قرار دهد. دیوان دادگستری بین‌المللی از این عنصر به «اجبار» تعبیر کرده و آن را عنصر اصلی مداخله به شمار آورده است. (صفایی، ۱۳۶۷: ۱۱) بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد می‌گوید: «هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد، در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشور است، دخالت نمایند و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات فهری پیش‌بینی شده در فصل ۷ لطمه وارد نخواهد آورد» (دولت‌شاه، ۱۳۸۸: ۲۰). به‌طور کلی مبنای اصل عدم مداخله را باید در اصول حاکمیت و استقلال دولت‌ها جستجو نمود. به عبارت دیگر، اصل عدم مداخله دولت‌ها در امور مربوط به دولت‌های دیگر، نتیجه منطقی استقلال و حاکمیت دولت‌هاست (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۴۵۱) و اعلامیه ناروایی مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و حاکمیت آن‌ها، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> نیز با نفی هرگونه مداخله در امور داخلی دولت‌ها تصریح می‌نماید: «هیچ دولتی به هر دلیلی حق مداخله مستقیم و غیرمستقیم در امور داخلی و خارجی سایر دولت‌ها را ندارد؛ بنابراین مداخله نظامی و سایر اشکال مداخله و تهدید علیه هویت یک دولت یا علیه عناصر

1. Encyclopedia of public international law vol3.(A-M).P.233

2. UN General Assembly, Declaration on the Inadmissibility of Intervention in the Domestic Affairs of States and the Protection of Their Independence and Sovereignty, Resolution ۲۱۳۱ (XX), ۲۱ December ۱۹۶۵



سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن دولت محکوم است.» ماده ۳ طرح اعلامیه حقوق و وظایف کشورها مصوب ۱۹۴۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل، نیز چنین می‌گوید: «هر کشور موظف است از مداخله در امور داخلی و خارجی کشور دیگر خودداری کند.»<sup>۱</sup> با این اوصاف می‌توان گفت اصل عدم مداخله یکی از اصول ریشه‌ای حقوق بین‌الملل است و به موجب این اصل همه کشورها از مداخله در امور داخلی همدیگر منع شده‌اند؛ و پرواضح است که رعایت اصل منع مداخله توسط اعضای جامعه بین‌المللی موجب حفظ حاکمیت و استقلال کشورها و صلح و امنیت جهانی خواهد بود و عدم رعایت این اصل عام، موجبات بروز اختلاف و درگیری‌های کشورها را فراهم خواهد آورد. با وجود تلاش‌های جامعه جهانی برای بر حذر داشتن دولت‌ها از توسل به زور در مناسبات بین‌المللی، مع‌الأسف شاهد بازگشت برخی کشورها به رویه پیش از قرن بیستم و مداخله آن‌ها در امور داخلی دیگر کشورها هستیم. نمونه‌های مداخله، در سال‌های اخیر فراوان است. برای مثال می‌توان از مداخله شوروی در افغانستان، مداخله مسلحانه آمریکا در ایران (حمله طیس)، بلوکه کردن دارائی‌های ایران توسط آمریکا، مداخله آمریکا در نیکاراگوئه، مداخله آمریکا و متحدانش در افغانستان، لیبی، عراق و سوریه، مداخله عربستان و متحدانش در لبنان و یمن نام برد.

### ۲-۳. نقض اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و اصل منع مداخله

بر اساس قواعد و اصول شناخته شده بین‌المللی فوق‌الذکر، اصل برابری حاکمیت دولت‌ها و منع مداخله در امور داخلی کشورها از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بوده و تمامی اعضای جامعه بین‌الملل متعهد و ملزم به رعایت آن می‌باشند. عدم رعایت این اصل از سوی دولت‌ها موجب بروز اختلاف می‌شود و در نتیجه جنگ و ناامنی را در عرصه بین‌المللی فراهم می‌آورد. لذا دولت آمریکا در قضیه ترور ناجوانمردانه سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس نه تنها ناقض اصل برابری حاکمیت‌ها نسبت به دو دولت ایران و عراق بوده است بلکه اصل ممنوعیت کاربرد زور و منع مداخله را نیز نقض کرده است.

### ۲-۳-۱. نقض حاکمیت ملی عراق

حقوق بین‌الملل اظهار می‌دارد که دولت‌های مدعو بدون رضایت دولت میزبان نباید از نیروی نظامی در مناطق دیگر استفاده کنند. نقطه آغازین دعوت به مداخله، درخواست مداخله از سوی دولت حاکم است. دولتی که با این اقدام، رضایت خویش را نسبت به مداخلاتی که از سوی ثالث انجام خواهد شد

اعلام می‌نماید؛ بنابراین عنصر اساسی، در خصوص مفهوم دعوت به مداخله، رضایت دولت حاکم است؛ بنابراین اگر دولت‌های خارجی بدون رضایت دولت حاکم بخواهند در امور داخلی این کشور مداخله نمایند، اقدامشان تجاوز سرزمینی محسوب می‌شود. (نصیری، ۱۳۹۳: ۱۳۷-۹۹) بنابراین دولت آمریکا به لحاظ توسل و کاربرد زور، بدون اطلاع و رضایت دولت عراق این عملیات را خارج از قلمرو حاکمیتی خود انجام داده و در حقیقت با این تجاوز و مداخله نامشروع، اصل احترام به حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و امنیت ملی عراق را نقض کرده است و دولت عراق حق پیگیری و تعقیب حقوقی آن را داراست. متعاقب این جنایت بشری، نخست وزیر عراق اقدام آمریکا را محکوم و آن را نقض حاکمیت ملی عراق دانست. عادل عبدالمهدی اظهار داشت: «ترور یک مقام نظامی عالی‌رتبه عراقی به‌مثابه تجاوز و جنگ علیه نظام، دولت و ملت عراق است و ترور مقامات بلندپایه عراقی و مقامات کشوری دوست نقض آشکار حاکمیت عراق به شمار می‌رود.»<sup>۱</sup> محمدحلبوسی رئیس پارلمان عراق نیز اظهار داشت: «عملیات تروریستی آمریکا از این جنبه که ابومهدی المهندس را هدف قرار داد، نقض حاکمیت عراق و قوانین بین‌المللی است، هر نوع عملیات امنیتی و نظامی در خاک عراق باید با موافقت دولت عراق صورت بگیرد.»

## ۲-۳-۲. نقض حاکمیت ملی ایران

بر اساس مقررات بین‌المللی، سردار سلیمانی در سفر به عراق که به دعوت نخست وزیر آن کشور انجام گرفته بود به‌عنوان مقام رسمی نظامی جمهوری اسلامی ایران از مصونیت بین‌المللی برخوردار بوده و در حقیقت نماد بارزی از هویت و حاکمیت ملی ایران محسوب می‌شد. لذا جنایت ناجوانمردانه دولت آمریکا در ترور چنین شخصیتی، نقض قوانین و مقررات بین‌المللی و تعدی به حاکمیت ملی کشور ایران محسوب می‌شود؛ و مطابق قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ مجمع عمومی، ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و بند ۲ ماده ۵ اصلاحی اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ۲۰۱۰، مرتکب جنایت تجاوز شده است؛ بنابراین ایران می‌تواند با استناد به این نقض‌ها، در دیوان کیفری بین‌المللی نیز اقامه دعوا نماید و دولت آمریکا و شخص رئیس‌جمهور آن کشور را به‌عنوان متجاوز و جنایتکار بین‌المللی، مورد تعقیب کیفری قرار دهد.

### ۳. دکترین جدید

#### ۳-۱. دفاع مشروع پیشگیرانه<sup>۱</sup>

حق دفاع مشروع دولت‌ها، اصلی است مقدس و به معنی حمایت از کشورهای کوچک و ضعیف در برابر تجاوز کشورهای قدرتمند است. با وجود این، شگفت آنکه پس از سال ۱۹۴۵ عمدتاً قدرت‌های بزرگ و کشورهای به لحاظ نظامی توانمند، مشتری پر و پا قرص حق دفاع مشروع بوده‌اند و آن را به‌عنوان توجیه توسل به‌زور علیه دیگر کشورها مورد استناد قرار داده‌اند. کشورهای قدرتمند برای استفاده و در واقع، سوءاستفاده از زور، همواره به ماده ۵۱ منشور استناد کرده‌اند (شریفی و بارین چهاربخش، ۱۳۹۲: ۳۶-۱۱). به‌نحوی که اگر به حالت قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نگاه کنیم، مشاهده خواهیم کرد که گرچه دولت‌ها به‌ندرت به دفاع مشروع پیشگیرانه استناد نموده و اتکاء به آن را موجد سابقه خطرناک می‌دانستند، اما برخی نویسندگان از دکترین مذکور حمایت کرده‌اند. برخی حقوقدانان به دنبال تفسیر موسع از ماده ۵۱ منشور در اعطای حق توسل به‌زور هستند. طرفداران دکترین کلی خودیاری<sup>۲</sup> استدلال می‌کنند که ماده ۵۱ منشور، نسخ سایر موارد دفاع نیست بلکه صرفاً یک مورد را نام برده است. چنین تفسیری از ماده ۵۱ در واقع آن را بی‌اثر می‌سازد. در سال ۱۹۴۹ تمامی اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل، دفاع مشروع را رد می‌کنند (برانلی، ۱۳۸۳: ۲۵۲). توجه به مقررات معاهده بین‌آمریکایی کمک متقابل، نشان می‌دهد که گرچه ماده ۳، همان خواسته منشور را تکرار کرده است، اما در مواد ۶ و ۸، با استفاده از عبارات کلی و مبهم، این امکان را برای تفسیر خودسرانه اما در چارچوب منشور! باز نگه داشته است (برانلی، ۱۳۸۳: ۲۴۸) این مسئله در بحران موشکی کوبا، خود را نشان داد. چنین معاهداتی تمایلات بازگشت به حق آزاد دولت‌ها در بکارگیری زور را نشان می‌دهد و زمینه دفاع پیشگیرانه را فراهم می‌سازد اما برای نخستین بار به شکل صریح سال ۱۹۸۱ در شورای امنیت نماینده اسرائیل از این دکترین دفاع می‌کند. جان کلام او و طرفداران این نظریه از جمله مک دوگال این است که در عصر تسلیحات اتمی، موشک‌های فوق مدرن و چندکاره و سایر تسلیحات کشتار جمعی، دیگر بسیار خنده‌دار است که خود را در یک حالت «انتظار انفعالی» قرار دهیم؛ درحالی که خطر یک حمله قریب‌الوقوع را در کنار خود داریم (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۷). اینان برای تأیید حقوقی ادعای خود گفتند که ماده ۵۱، نسخ سایر حقوق دولت‌ها در حقوق بین‌الملل عرفی گذشته در مواجهه

---

1. Pre-emptive Self-defense

2. Self-help

با خطر نبوده، بلکه تنها یک مورد را احصاء نموده است. در این دیدگاه حقوقدانان دو استدلال زیر را مطرح نموده‌اند:

۱. قاعده عرفی بین‌المللی مورد استناد، دفاع بازدارنده را به مفهوم خاص آن پیش‌بینی نکرده، بلکه دفاع مشروع و حفاظت از خود را مقرر کرده است.

۲. ماده ۵۱، همه حقوق حاکم قبلی را نسخ نموده و جایی برای چیزی جز دفاع مشروع که صریحاً بدان اشاره شده باقی نگذاشته است (کاسسه، ۱۳۷۰: ۲۶۸).

نکته دیگری هم می‌توان به مطالب ذکر شده افزود و آن بازگشت عملی حقوق بین‌الملل به حقوق بین‌الملل عرفی گذشته است، چراکه در صورت قبول چنین تفسیری، می‌توان با کمک ابزارهای تبلیغاتی و فشارهای اقتصادی یا سیاسی یک خطر یا مسئله کوچک را به یک خطر قریب‌الوقوع جلوه داده و بالعکس یک خطر بزرگ برای صلح و امنیت بین‌المللی را یک حافظ صلح نشان داد. در مورد اول، حداقل تجربه جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳ همین را می‌گوید. علیرغم آنکه عراق در طول ۱۲ سال، زیر نظر بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل، به نابودی بخش اعظم تسلیحات اتمی، شیمیایی و کشتار جمعی دست زد و بارها از سوی بازرسان سازمان ملل این اخبار تأیید شد؛ اما در نهایت آمریکا و انگلیس با حربه تبلیغاتی و فشارهای سیاسی خود، وجود خیالی سلاح‌های مخفی شیمیایی و اتمی صدام حسین را بهانه و دستاویزی برای حمله به عراق قرار دادند و حال اینکه خود نیز چند ماه پس از اشغال، از نبودن آن تسلیحات در عراق خبر دادند. در مورد بعدی هم می‌توان اقدامات غیرقانونی رژیم اشغالگر قدس را مثال زد که علیرغم آنکه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، علیه آن، بیانیه صادر شده است اما هنگام طرح آن در شورای امنیت با وتوی آمریکا روبرو می‌گردد؛ و در سازمان‌ها و کنفرانس‌های مختلف دیگر هم توسط دولت‌های مختلف، مورد تقدیس قرار گرفته و حافظ صلح شناخته می‌شود (بهستانی، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۴۷). بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده آمریکا با اتخاذ دکترین «دفاع پیشگیرانه و پیشدستانه»، اعلام نمود که خود را ملزم به رعایت ضوابط ناظر بر عدم کاربرد زور در منشور ملل ندانسته و در صورت به خطر افتادن منافع آمریکا خود رأساً اقدام می‌نماید. نتیجه رویکرد جدید آمریکا، مداخله نظامی در کشورهای مثل افغانستان و عراق از اعتبار تنها مرجع حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کاست و اصل «عدم‌مداخله» را خدشه‌دار کرد (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۹۳). بدیهی است که دفاع مشروع پیشگیرانه، به معنای مقابله با خطر قریب‌الوقوع، در واقع تفسیر

ناهنجاری از ماده ۵۱ منشور بوده و عملی کاملاً نامشروع و مخالف با قوانین و روح حاکم بر منشور ملل متحد است.

### ۳-۲. دفاع مشروع پیشگیرانه اقدامی مغایر با حقوق منشور

بعد از ترور سردار سلیمانی، رئیس‌جمهور آمریکا و برخی دیگر از مقامات آن کشور با ادعای جلوگیری از یک حمله قریب‌الوقوع، جنایت بشری خود را به‌عنوان دفاع مشروع پیشگیرانه قلمداد نمودند! ترامپ در اجتماع هوادارانش در «میلواکی»، مدعی شد که سردار سلیمانی قصد انجام حملاتی علیه نیروهای آمریکایی داشته، اما دولت او آن را متوقف کرده است.<sup>۱</sup> و عملیات ترور برای دفع یک «تهدید قریب‌الوقوع» بوده است.<sup>۲</sup> پمپئو، وزیر خارجه آمریکا اظهار داشت: عملیات آمریکا علیه قاسم سلیمانی جان بسیاری از آمریکایی‌ها را نجات داد. سلیمانی مسئول کشته شدن بیش از ۶۰۰ آمریکایی و تعداد بی‌شماری از اعراب عراق، سوریه و کشورهای دیگر است و زمانی که او را کشتیم به دنبال کشتن افراد بیشتر بود.<sup>۳</sup> برایان هوک، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران نیز مدعی شد که اطلاعات موثق حاکی از آن بود که سردار سلیمانی در حال طرح‌ریزی حمله‌هایی به تأسیسات آمریکا در عراق، سوریه و لبنان بود؛ و ترامپ یک اقدام کاملاً قانونی را انجام داد و اقدامی که انجام شد، گامی پیشگیرانه برای توقف هرگونه حمله بوده است.<sup>۴</sup> توجیحات مقامات آمریکایی در ترور سردار سلیمانی و استناد به ماده ۵۱ منشور و قرائت جدید از دفاع مشروع تحت عنوان «دفاع مشروع پیشگیرانه» درحالی‌که مطرح می‌شود که در نظام حقوقی بین‌المللی تأسیس حقوقی موردقبول تحت این عنوان وجود ندارد؛ هرچند آمریکا در چند سال گذشته در قالب «دفاع مشروع پیشگیرانه» با اقدامات تجاوزکارانه به برخی کشورها از جمله افغانستان و عراق حمله کرده و در قضیه ترور سردار سلیمانی نیز به آن استناد می‌کند؛ اما در نظام حقوقی بین‌المللی چنین اقدامی دفاع مشروع نبوده و موردقبول جامعه بین‌المللی نیست. بر اساس بند ۴ ماده ۲ منشور سازمان ملل، هرگونه توسل به‌زور ممنوع است و تنها استثنائات موجود هم بر اساس ماده ۵۱ منشور، دفاع مشروع و امنیت جمعی بین‌المللی می‌باشند. این اصل منشور به‌هیچ‌وجه، به

1. [www.khabaronline.ir/news/1341754](http://www.khabaronline.ir/news/1341754) (Accessed at:1398/10/25)

2. [www.khabaronline.ir/news/1343406](http://www.khabaronline.ir/news/1343406) (Accessed at:1398/10/28)

3. [www.isna.ir/news/98112719630](http://www.isna.ir/news/98112719630) (Accessed at:1398/11/27)

4. [www.tabnak.ir/fa/news/948815](http://www.tabnak.ir/fa/news/948815) (Accessed at:1398/10/14)

حق حمله به دولت دیگر به دلیل ترس از اینکه آن دولت در حال طراحی یا توسعه سلاح‌های قابل استفاده در حمله احتمالی آتی است، اشاره‌ای ندارد (ظریف، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۱). همچنین طبق ماده ۲ قطعنامه شماره ۳۳۱۴ مجمع عمومی، پیش‌دستی یک دولت در کاربرد نیروی نظامی به بهانه حمله قریب‌الوقوع یا به‌عنوان حمله پیشگیرانه مغایر با منشور سازمان ملل متحد توصیف شده و به‌منزله یک اقدام تجاوزکارانه به شمار می‌آید. امروزه در این خصوص این اتفاق نظریه وجود دارد که حمله پیشگیرانه، خود نوعی تجاوز محسوب می‌شود و در حقوق بین‌الملل، هیچ جایگاهی ندارد. این یک اصل پذیرفته شده حقوق بین‌الملل است که دفاع پیشگیرانه یا حمله پیشگیرانه عملی غیرقانونی است (ابراهیمی، ۱۳۸۲: ۱۲۲-۹۲) البته تفسیری که در مسئله دفاع مشروع وجود دارد در چند سال اخیر دچار تغییر و تحولاتی شده و در این راستا تفاسیر متعددی از آن شکل گرفته است. «دفاع مشروع پیشگیرانه» و «دفاع مشروع پیشدستانه» از جمله آن‌هاست؛ و بر اساس این تفاسیر است که آمریکا با استناد به آن‌ها، پس از حمله به عراق و ساقط کردن رژیم صدام و اقدام به ترور هدفمند افرادی که آن‌ها را رهبر یا اعضای گروه‌های تروریستی می‌خواند، درصدد خلق قاعده‌ای عرفی در حقوق بین‌الملل است که از آن به‌عنوان عرف آنی یاد می‌کنند. در این قالب است که آمریکا عنوان می‌کند چون سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس در عراق به دنبال طراحی انجام حملات قریب‌الوقوع نظامی علیه منافع، اهداف و نیروهای ایالات متحده بوده‌اند، آمریکا در حمله‌ای پیشگیرانه فرمانده نیروی قدس سپاه و معاون حشد الشعبی را ترور کرد تا منافع و نیروهایش صدمه نبینند! بدیهی است قاعده مذکور مبنایی بسیار خطرناک در روابط بین‌الملل بنیان گذارده است. مسلماً در صورت عدم برخورد جدی و سازمان‌یافته تابعان حقوق بین‌الملل با این نوع تجاوزات، علاوه بر تأسیس رویه در حقوق بین‌الملل، موجبات نزاع و هرج‌ومرج در روابط بین‌المللی را فراهم آورده و الگویی خواهد شد تا بر اساس آن هر کشوری با هر مستمسکی به کشوری دیگر هجوم برده و اقدامات خود را با اتکاء به قاعده دفاع پیشگیرانه یا پیشدستانه موجه سازی نماید.

#### ۴. تروریسم و حقوق بین‌الملل:

##### ۴-۱. تروریسم<sup>۱</sup>:

تروریسم پدیده جدیدی نیست. تاریخ مشحون از اقداماتی تروریستی است که حیات بی‌گناهان بی‌شماری را سلب یا تهدید کرده، افراد بشر را از حقوق و آزادی‌های اساسی خود محروم ساخته، روابط دوستانه میان دولت‌ها را در معرض خطر قرار داده و تمامیت ارضی و امنیت دولت‌ها را به مخاطره افکنده است (پطروس غالی، ۱۳۸۰: ۱۴۵-۱۱۶). بنابراین تروریسم یکی از خطرات عمده‌ای است که امروزه امنیت جهانی را به شدت تهدید می‌کند. به همین خاطر ضروری است تمام امکانات جامعه بین‌المللی جهت مقابله و سرکوب آن بسیج شود (زرنشان، ۱۳۸۶: ۹۴-۵۷). مبارزه با تروریسم برای صیانت از نظم عمومی از یک‌سو و حقوق بشر و شهروندی از سوی دیگر ضروری است؛ زیرا تروریسم مسلماً باعث نقض حقوق بشر برای «حیات، آزادی و امنیت شخصی» می‌شود. از سوی دیگر، در مبارزه با تروریسم باید استانداردها و قواعد حقوق بشری رعایت شود تا نفس مبارزه با تروریسم خود به ابزار نقض حقوق بشر تبدیل نگردد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۰: ۱۸۵) و عاملی برای اشغال نظامی، سرنگونی و سرکوب بی‌جهت دولت‌ها و گروه‌ها نشود. آنچه در صحنه روابط بین‌الملل موجود می‌بینیم، شروع فعالیت ضد تروریستی از سوی چند دولت قدرتمند، علیه کسانی هست که در موضع مخالفت با این کشورها قرار دارند. ترس جامعه جهانی از آن است که نوع دیگری از استعمار و استثمار در قالب تعریفی از تروریسم به وجود آید و یا اینکه تروریسم چهره‌ای مبهم برای تاراج دیگران به خود بگیرد. (سلامتی، ۱۳۸۷: ۲۸۰) برای مثال: حضور غیرقانونی آمریکا و متحدانش در کشور سوریه به بهانه مبارزه با تروریسم و نابودی داعش، خود دلیل روشنی بر صحت این نگرانی جامعه جهانی است، چراکه اقدامات آمریکا و ناتو در آن کشور، هیچ ارتباطی به مبارزه با پدیده شوم تروریسم نداشته بلکه هدف واقعی آن‌ها چپاول منابع نفتی کشور سوریه با کمک گروه‌های تروریستی، است. به ادعان دونالد ترامپ رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، واشنگتن از عوامل اصلی پیدایش گروه‌های تروریستی از جمله داعش بوده است<sup>۲</sup> و نفت مهم‌ترین دلیل حضور نظامیان آمریکایی در خاک سوریه است.

1. Terrorism

2. <https://www.farsnews.ir/news/14010807000521>

## ۴-۲. سازمان ملل متحد و تروریسم:

مجمع عمومی سازمان ملل واژه «تروریسم» را تعریف نکرده است و با رهیافتی غیرمستقیم اعمالی خاص را بدون توجه به انگیزه و شرایط آن‌ها، جنایی تشخیص می‌دهد. نگاه دقیق مجمع عمومی به واژه تروریسم از قطعنامه ۴۹/۶۰ دسامبر ۱۹۹۴ و اعلامیه ضمیمه آن در خصوص روش‌های ریشه‌کنی تروریسم بین‌المللی است که این قطعنامه در سال‌های بعد نیز با اضافاتی همه ساله تکرار شده است. مجمع با توجه به متن پیش‌نویس کنوانسیون منع بمب‌گذاری تروریستی، قطعنامه ۵۱/۲۱۰ (۱۹۹۶) را به تصویب رساند. قطعنامه مصرانه از تمام کشورها می‌خواهد تا آن را امضاء، تصویب، قبول یا تأیید نمایند یا به آن ملحق شوند. این سند، جامع‌ترین سند علیه تروریسم بین‌المللی است. (سلامتی، ۱۳۸۷: ۷۸)

حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ زنگ خطری در عصر جدید بود که حقوق‌دانان بین‌المللی دنیا را برای تفکر عمیق‌تر جهت تعریف کامل‌تر و طراحی اقدامات بازدارنده حقوقی به‌ویژه در سطح بین‌المللی و ادار ساخت و در اینجا بود که دشواری تعریف و مطالعه علل و ماهیت تروریسم بر اهل نظر مشخص گردید. امروزه جدا از تلاش‌های حقوقی برای ارائه تعریف جهان شمول تروریسم، تعریف این پدیده بر مبنای ایجاد رعب و وحشت از طریق انفجار، ترور افراد و یا حملات مسلحانه سازمان یافته، یک تعریف رایج است؛ اما از نظر حقوق بین‌الملل، چنین تعریفی نمی‌تواند تمام قلمروی اقدامات تروریستی را شامل شود و یا یک راهکار مناسب برای محو تروریسم عرضه نماید. (سلامتی، ۱۳۸۷: ۹)

تاکنون تعریفی فراگیر از تروریسم که با اجماع بین‌المللی همراه باشد، صورت نگرفته و دلیل آن هم برخورد دوگانه دولت‌ها با توجه به منافعشان در مواجهه با این مسئله است. شورای امنیت، به‌عنوان تنها مرجعی که حق استفاده قانونی از زور در تعاملات بین‌المللی را داراست بالاخره پس از مدت‌ها بحث و گفتگو، در اکتبر ۲۰۰۴ با صدور قطعنامه ۱۵۶۶ از تروریسم یک تعریف عمومی نمود. قطعنامه فوق، اقدامات زیر را به هیچ وجه توجیه پذیر نمی‌داند: «اقدامات جنایی علیه شهروندان که به قتل یا وارد آوردن صدمه و آسیب بدنی باشد، گروگان‌گیری به‌منظور تحریک یک دولت، ترور در اماکن عمومی یا ترور گروهی از اشخاص، ارعاب جمعیتی یا فشار بر یک سازمان بین‌المللی برای فعل یا ترک فعلی و... مشکل ارائه تعریف مشترکی از تروریسم همیشه وجود داشته و این امر ناشی از آن بوده است که «آن کس که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود از نظر دیگری یک مبارز راه آزادی است. بااین‌حال، در حال حاضر مجمع عمومی درصدد تصویب کنوانسیون جامعی برای مقابله با تروریسم است. هدف از تصویب این کنوانسیون تکمیل کنوانسیون‌های موجود ضد تروریسم است که هر کدام



به جنبه خاصی از تروریسم می‌پردازند. پیش‌نویس ماده ۲ در بردارنده تعریفی از تروریسم به شرح ذیل است. هر گونه عمل، تلاش و تهدید غیرقانونی و عامدانه که منجر به یکی از موارد زیر می‌شود.

(الف) مرگ یک انسان یا ایراد آسیب بدنی شدید به وی؛

(ب) خسارت جدی به اموال خصوصی یا عمومی از جمله اماکن عمومی، ساختمان‌های دولتی یا حکومتی، سیستم‌های حمل‌ونقل عمومی، تسهیلات زیر ساختی یا محیط زیست؛

(ج) خسارت به مال، اماکن و تسهیلات یا سیستم‌ها یا جاهای دیگری که منجر به آسیب بزرگ اقتصادی شود یا احتمال ایراد این آسیب را امکان‌پذیر سازد. (کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل، گزاره برگ شماره ۳۲).

#### ۴-۳. استناد به قوانین داخلی در عملکرد بین‌المللی

با وقوع حوادث یازده سپتامبر، آمریکا فرایند نوین از مبارزه جهانی با تروریسم را با یک‌جانبه‌گرایی و محدودیت رهبری خود علیه همه دولت‌ها و گروه‌های رقیب آغاز کرد. (ساعد، ۱۳۸۹: ۹).

استراتژی امنیت ملی آمریکا علیه تروریسم در قالب دکترین جنگ پیشگیرانه و پیشدستانه طراحی و اجرا شده است. این استراتژی درباره نحو و چگونگی ایجاد همکاری‌های چندجانبه بین‌المللی در مبارزه با تروریسم چندان سخنی به میان نمی‌آورد. ایالات متحده آمریکا نقش اندکی برای سازمان ملل متحد به‌ویژه شورای امنیت قائل شده است. (خبیری و دربندی، ۱۳۹۰: ۱۷۸-۱۵۱) این کشور با تأکید بر لزوم نظم عمومی داخلی، به چهار دلیل زیر با کنوانسیون منع و مجازات تروریسم مخالفت کرده است:

(الف) نبودن تعریفی مشخص از جرم تروریستی؛

(ب) سیاسی شدن دیوان (بین‌المللی کیفری) در صورت آوردن این جرم تحت صلاحیت آن؛

(ج) عدم شدت بعضی اعمال تروریستی طوری که شایسته تعقیب از سوی دیوانی بین‌المللی باشد.

(د) اثربخش تر بودن تعقیب و کیفر به‌وسیله دادگاه‌های داخلی در مقایسه با رسیدگی در دیوان بین‌المللی در اکثر موارد. (Cassese, ۲۰۰۱: ۹۹۳) رویکرد یادشده بر یک نکته اساسی تأکید می‌کند که مبارزه با تروریسم هم‌اکنون سازوکاری ملی دارد و هرچند در سطح بین‌المللی اقداماتی علیه آن تمهید می‌شود، ولی مبنا و مبادی آن قوانین ملی هستند که بعد از حادثه یازده سپتامبر به نحو چشمگیری و البته در تضاد با کرامت انسانی رشد کردند. (غمامی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۸۳) پس از عملیات دولت آمریکا در ترور سردار سلیمانی، ترامپ رئیس‌جمهور آن کشور گفت: سلیمانی باعث کشتار و آزار فراوانی برای

آمریکایی‌ها بود و سلیمانی دلیل کشتار مردم بی‌گناه زیاد و حملات تروریستی بود... ارتش به دستور من سلیمانی را کشت.<sup>۱</sup>

اکنون سؤال این است: آیا دولت آمریکا که نیروی قدس و سپاه پاسداران را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داده است، محقق به تروریست نامیدن و برخورد نظامی با فرماندهان و نیروهای آن است یا خیر؟

در پاسخ باید گفت اولاً: از نظر قوانین بین‌المللی هیچ دولتی نمی‌تواند با استناد به قوانین داخلی خود، تعهدات بین‌المللی خود را نقض کند. ماده ۳۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در این زمینه مقرر می‌دارد: «دولت مسئول نمی‌تواند برای توجیه قصور در ایفای تعهداتی که طبق این بخش برعهده دارد به مقررات داخلی خود اتکاء کند.» طبق این ماده، دولتی که مرتکب تخلف بین‌المللی شده نمی‌تواند مقررات داخلی خود را بهانه قصور در رعایت تعهداتی که طبق این بخش برعهده دارد، قرار دهد. (حلمی، ۱۳۸۷: ۲۵۸) بنابراین اقدام آمریکا در تضاد آشکار با قوانین بین‌المللی بوده و این کشور نمی‌تواند به بهانه آن‌که نیروی قدس و سپاه پاسداران را در سیاهه گروه‌های تروریستی خود قرار داده است، اقدام به هر عملی برخلاف مقررات بین‌المللی، از جمله ترور سردار سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه بنماید.

ثانیاً: به جهت اینکه سپاه پاسداران بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل یافته است جزئی از حاکمیت ملی آن کشور محسوب می‌شود و در واقع دولت آمریکا با قرار دادن نام این نیرو و فرماندهان آن در فهرست گروه‌های تروریستی، اقدام به نقض حاکمیت ملی ایران نموده است.

ثالثاً: با توجه به اینکه علیرغم همه مشکلات میان ایران و آمریکا، این دو کشور به شکل رسمی در حال جنگ باهم نبودند و در این ترور، ایالات متحده آمریکا، به فرماندهانی حمله کرد که سالیان سال در صف اول مبارزه با تروریست‌های تکفیری داعش حاضر شده و ضربات بسیاری بر آن‌ها وارد کرده بودند. لذا هدف قرار دادن آگاهانه سردار سلیمانی از مقامات بلندپایه ایرانی، میهمان رسمی نخست وزیر عراق در فرودگاه غیرنظامی بغداد، از مصادیق بارز جنایت تروریسم دولتی است.

## ۵. حقوق بشر:<sup>۱</sup>

با توجه به جمیع اسناد بین‌المللی حقوق بشر خصوصاً اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ می‌توان گفت که حقوق بشر عبارت است از: «مجموعه قواعد، مقررات و اصولی است که به منظور شناسایی حیثیت ذاتی و حقوق یکسان و غیرقابل انتقال کلیه اعضای حقوق بشر بر مبنای آزادی-عدالت و صلح در جهان به رسمیت شناخته شده است.»<sup>۲</sup> تفصیل این حقوق در اسناد بین‌المللی فراوانی آمده که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی و ممنوعیت برده‌داری و شکنجه (محقق داماد، ۱۳۸۳: ۲۷۰). به عبارتی دیگر حقوق بشر، مجموع حقوق و آزادی‌هایی است که بشر در حیات فردی و اجتماعی جهت صیانت از کرامت ذاتی از آن‌ها برخوردار است. (خسروی، ۱۳۹۷: ۴) حقوق بشر حقوقی است که هر شخصی صرفاً بدان خاطر که انسان است فارغ از رنگ پوست، نژاد، دین، موقعیت اجتماعی و جنسیت دارای آن است. حقوق بشر از آن جهت که امروزه در اکثر قوانین ملی کشورها و قوانین بین‌المللی به رسمیت شناخته شده، از نوع حقوق مبتنی بر قانون محسوب می‌شود؛ بنابراین می‌بایست از طرف اشخاص و دولت‌ها محترم شمرده شود. با بررسی عملکرد قدرت‌های بزرگ در عصر حاضر، می‌توان گفت بیشترین سوءاستفاده از موضوع حقوق بشر توسط ایالات متحده آمریکا صورت گرفته و رد پای ظلم و ستم و پایمال کردن حقوق بشر توسط آن کشور در تمامی نقاط کره زمین قابل مشاهده است. به عبارتی می‌توان گفت آمریکا، کشوری که همیشه پرچم‌دار حقوق بشر بوده، خود از مصادیق بارز نقض فاحش آن در سایر کشورهای جهان حتی در خود این کشور است و صرفاً با اهداف سیاسی و اقتصادی از این حقوق مترقی بشر به‌عنوان ابزاری برای برخورد با سایر کشورها استفاده می‌کند. آمریکا در داخل کشور خود بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان تبعیض قائل می‌شود. در این کشور بخشی از مردم از کمترین امکانات محروم‌اند و بخشی دیگر غرق در امکانات هستند. تاریخ کوتاه آمریکا مملو از لشکرکشی، تهاجم، تجاوز و اشغال کشورهای ضعیف و کشتار مردم بی‌دفاع است. این کشور در بمباران اتمی هیروشیما و ناکازاکی، بیش از ۳۰۰ هزار نفر از مردم بی‌گناه ژاپن را به قتل رساند. در تهاجم به ویتنام بیش از ۴ میلیون نفر را کشت. آمریکا و متحدانش در افغانستان ۷۰ هزار نفر را کشتند، در زمان اشغال عراق، بیش از ۲ میلیون نفر را قتل عام کردند؛ و به بهانه مبارزه با تروریسم چه بر سر کشور و مردم سوریه که نیاوردند. آمریکا حامی همه جانبه رژیم جنایت‌کار صهیونیستی است. آمریکا

سردسته اعمال تحریم‌های یک‌جانبه ظالمانه، غیرقانونی و مغایر با منشور ملل متحد و حقوق بین‌الملل علیه کشورها به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است. مصادیق ذکرشده تنها بخشی از سیاهه بسیار گسترده نقض حقوق بشر توسط آمریکا است؛ بنابراین با این رفتار متناقض در خصوص حقوق بشر، ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانانش، صلاحیت سردمداری دفاع از حقوق بشر را ندارند.

#### ۱-۵. حق حیات<sup>۱</sup>:

حیات و زندگی انسانی، نعمتی الهی است که خداوند متعال به انسان عطا فرموده است. حق حیات یکی از بنیادین‌ترین حقوق بشری بوده که در اسناد بین‌المللی متعددی به کرات بدان تأکید شده است. ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی حق حیات را از حقوق ذاتی هر انسانی برمی‌شمارد: «حق زندگی از حقوق ذاتی شخص انسان است. این حق باید به‌موجب قانون حمایت بشود. هیچ فردی را نمی‌توان خودسرانه از زندگی محروم کرد.» (مافی، ۱۳۹۴: ۱۸۴) و در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به آن اشاره شده است. «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.» (مافی، ۱۳۹۴: ۱۶۷).

#### ۲-۵. نقض آشکار حقوق بشر و حق حیات

با توجه به مطالب فوق‌الذکر که در خصوص حقوق بشر، حق حیات و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل بیان گردید، می‌توان این‌چنین دریافت که در عملیات ضد بشری، غیرقانونی و نامشروع سوم ژانویه ۲۰۲۰، ایالات متحده آمریکا در ترور سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس معاون تشکیلات حشدالشعبی عراق و هشت تن از همراهانشان در فرودگاه بغداد، درحالی‌که هیچ اتهامی متوجه آن‌ها نبوده است و سند موثقی نیز در این مورد وجود ندارد تا طرف آمریکایی بر مبنای آن ادعا کند که ضرورت ایجاب می‌کرده برای حفظ جان خود به‌سرعت برای دفع خطر آن‌ها وارد عمل شوند، لذا محروم کردن سردار سلیمانی و همراهانش از حق حیات، با توسل به راهبرد ترور هدفمند از سوی ایالات متحده آمریکا، اقدامی خودسرانه، غیرقانونی و نامشروع است.<sup>۲</sup> چراکه به‌موجب قوانین و مقررات آمره حقوق بین‌الملل، دولت‌ها حق ندارند خودسرانه و بدون مجوز حق حیات و زندگی را از انسان‌ها سلب نمایند.

1. Right To Exist

2. Css.Ir/Fa/Content/115001 (Accessed At:1398/11/02)



نمودار موارد نقض اصول بین‌الملل در ترور سردار سلیمانی

## بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه به‌اجمال بیان شد، می‌توان دریافت که هرچند آمریکا تلاش دارد اقدام بامداد جمعه، سوم ژانویه ۲۰۲۰ خود را با کاربست واژگان حقوقی از جمله «دفاع مشروع پیشگیرانه» توجیه کند؛ اما بی‌گمان حمله ارتش ایالات متحده آمریکا به سردار سلیمانی، ابومهدی المهندس و همراهانش که با دستور مستقیم دونالد ترامپ انجام گرفت از منظر قوانین و مقررات بین‌المللی، اساساً فاقد وجهت قانونی و حقوقی بوده و نقض آشکار اصول بنیادین «عدم توسل و کاربرد زور»، «منع تجاوز»، «برابری حاکمیت دولت»، «منع مداخله در امور داخلی کشورها»، «احترام به قواعد آمره و عرف‌های مسلم بین‌الملل»، «احترام به حقوق بشر و حق حیات» و همچنین نقض توافقنامه چهارم دسامبر ۲۰۰۸ آمریکا با عراق است؛ اما باین وجود، واقعیت این است که حقوق بین‌المللی مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که ابعاد و احکامی را وضع می‌کند اما در باطن، حقوق بین‌المللی به‌ویژه حقوق عرفی برآیندی از موازنه قدرت و تلاش ابرقدرت‌ها برای اثرگذاری در روابط بین‌المللی و حفظ نظم جهانی ترتیب داده شده از سوی خود آن‌هاست. به همین خاطر مشاهده می‌کنیم اکثریت قدرت‌های بزرگ، در مواقعی که حقوق بین‌الملل به سودشان نیست، آن را نادیده می‌گیرند و کسی هم نمی‌تواند به آن‌ها تعرضی کند

چون صاحب قدرت هستند و این بدعهدی‌ها، نقض قول‌ها و اقدامات خلاف عرف و اصول و قواعد پذیرفته شده بین‌المللی از ماهیت مداخله جویانه و خوی سلطه‌طلبی آن‌ها ناشی می‌شود.

به‌موجب آنچه که در مقاله حاضر مورد تتبع قرار گرفت آشکار است که اقدامات دولت آمریکا در ترور و قیحانه نماد مبارزه با تروریسم جهانی، سردار سلیمانی و یاران همراهش، نقض فاحش و آشکار اصول شناخته شده حقوق بین‌الملل است. اکنون سؤال این است که باوجود این نقایض واضح، ظرفیت‌های حقوقی پیش روی جمهوری اسلامی ایران برای پیگیری این جنایت غیر بشری کدامند؟ در پاسخ باید گفت:

۱. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استناد به مواد ۳۵ و ۳۶ منشور ملل متحد موضوع را به شورای امنیت ارجاع دهد و به جهت نقض اصول و قواعد متعدد منشور و به خطر افتادن صلح و امنیت بین‌المللی، درخواست رسیدگی به موضوع و صدور قطعنامه در محکومیت این اقدام غیرقانونی و نامشروع را بنماید. البته متأسفانه واقعیت این است که با حضور آمریکا به‌عنوان یکی از پنج عضو اصلی شورای امنیت و داشتن حق وتو، نباید انتظار و توقع ورود و اقدام مؤثر این شورا را داشت.
۲. با توجه به اینکه این اقدام ناقض حقوق بشر، مطابق قطعنامه ۳۳۱۴ مورخ ۱۹۷۴ مجمع عمومی، ماده ۸ مکرر اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۱</sup> و بند ۲ ماده ۵ اصلاحی اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری مصوب ۲۰۱۰، جنایت تجاوز محسوب می‌شود. لذا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا که مستقیماً دستور این حمله غیرانسانی را داده است و سایر عوامل این جنایت بین‌المللی را در دیوان کیفری بین‌المللی مورد تعقیب کیفری قرار دهد. البته مطابق مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه دیوان که در سال ۱۹۹۸ تدوین شد، شورای امنیت می‌تواند موضوع را به دیوان جهت رسیدگی به جنایات ارتكابی توسط اشخاص حقیقی ارجاع دهد که در این صورت دیوان صلاحیت رسیدگی خواهد داشت؛ هرچند دولت‌های مربوط، متعاقد نباشد (سلیمی، ۱۳۹۳: ۱۸۳-۱۶۴). جمهوری اسلامی ایران باید این درخواست را از شورای امنیت داشته باشد. مسلماً با حضور آمریکا و هم‌پیمانان اروپایی‌اش در آن و داشتن حق وتو، محال است شورای امنیت آن را

به دیوان کیفری بین‌الملل بفرستد و حتماً آن را وتو خواهند کرد که در این صورت، این وتو، یک سند رسوایی برای آن شورا و یک نشان دیگر از ناکارآمدی حقوق بین‌الملل خواهد داشت.

۳. چون در این قضیه یک قاعدهٔ آمره با حملهٔ خودسرانه و بدون مجوز دولت آمریکا به یکی از حقوق بنیادین بشری یعنی حق حیات، نقض شده است. پس کشور ایران می‌تواند از ظرفیت حقوقی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد<sup>۱</sup> برای احقاق حقوق خود و آسیب دیدگان در این جنایت، استفاده کرده و در آنجا اقامهٔ دعوی نماید. این شورا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان بین‌المللی در زمینهٔ دفاع از حقوق بشر محسوب می‌شود که هدف آن ارتقاء و حمایت از حقوق بشر در همهٔ کشورها است.

۴. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند این قضیه را به مجمع عمومی سازمان ملل به‌عنوان مسئول حفظ صلح و امنیت جهانی و پاسدار نظام ملل متحد ارجاع دهد؛ و برای انجام تحقیقات بین‌المللی، تشکیل کمیته حقیقت‌یاب را از دبیر کل سازمان ملل خواسته و پیگیر طرح نتایج آن در مجمع عمومی و صدور قطعنامه در محکومیت این اقدام تروریستی دولت آمریکا گردد. البته هرچند تصمیمات این مجمع جنبهٔ توصیه‌ای دارد، اما باین وجود، می‌تواند به لحاظ سیاسی و افکار بین‌المللی اثرگذار باشد؛ بنابراین باید این قضیه به جهت رفتارهای خطرناک آمریکا در مقابل ایران، حتماً پیگیری شود.

۵. با توجه به وجود ظرفیت‌های خوب در قوانین داخلی ایران در این خصوص، محاکم داخلی این کشور نیز از صلاحیت‌های لازم برای رسیدگی و تعقیب کیفری رئیس جمهور آمریکا و عوامل دیگر این ترور و تجاوز را دارند. ماده ۵ قانون مجازات اسلامی سال ۹۲ در این زمینه می‌گوید: «هر شخص ایرانی یا غیر ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود... الف: اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران، ب: ...» و ماده ۸ همان قانون نیز اذعان می‌دارد: «هرگاه شخص غیر ایرانی در خارج

از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود...» علاوه بر این مواد، قوانین خاص دیگری از جمله قانون تشدید مقابله با اقدامات تروریستی دولت آمریکا مصوب سال ۱۳۶۸، قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب سال ۱۳۹۰، قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارت ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایران مصوب سال ۱۳۹۵، قانون اقدام متقابل در برابر اعلام سپاه به‌عنوان سازمان تروریستی مصوب سال ۱۳۹۸، وجود دارد که با استناد به آن‌ها، قوه قضائیه و دادستان کل کشور به‌عنوان مدعی‌العموم می‌توانند با طرح شکایت، دستور رسیدگی به پرونده ترور شهید سلیمانی و مجازات عاملان آن را صادر نمایند. بدیهی است که استفاده از این ظرفیت‌ها، باعث محکومیت دونالد ترامپ به‌عنوان صادرکننده دستور انجام این جنایت و دیگر عوامل آن گشته و منجر به رسوایی و روسپاهی نظام حاکم بر آمریکا و فضاحت مدعیان دروغین حامیان حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، نزد افکار عمومی جهانیان خواهد شد.

۶. با توجه باینکه این اقدام تروریستی، در خاک کشور عراق اتفاق افتاده است، دادگاه‌های این کشور به اعتبار صلاحیت محلی دادگاه محل وقوع جرم، صالح به رسیدگی و صدور حکم برای متهمان این حمله می‌باشند. به عبارتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در دادگاه‌های عراق نیز علیه عاملان این جنایت بین‌المللی اقامه دعوی نماید و پیگیری ابعاد حقوقی و کیفری و مجازات آن‌ها را بخواهد و با توجه به اینکه قربانیان این جنایت فقط اتباع ایرانی نبودند و بلکه ابومهدی المهندس فرمانده حشد الشعبی و چند تن دیگر از اتباع کشور عراق بودند. خود سیستم قضائی عراق نیز می‌توانند رأساً به این جنایت رسیدگی نمایند؛ و همچنین با توجه به روابط دوستانه‌ای که بین دو کشور ایران و عراق حاکم است می‌توان با تشکیل هیأت مشترک حقوقی این دو کشور، برای بررسی دقیق و پیگیری‌های حقوقی و کیفری بین‌المللی و مجازات مسببان این ترور ددمنشانه اقدام نمود.



## منابع و مأخذ

ابراهیمی، محمد (۱۳۷۷). *اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی*. جلد دوم. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

ابراهیمی، محمد (۱۳۷۹). *اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی*. جلد اول. چاپ سوم. قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

ابراهیمی، نصرالله (۱۳۸۲). «تجاوز و دفاع در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه علمی و پژوهشی حکومت اسلامی مجلس خبرگان*، شماره ۲۹: ۱۲۲-۹۲.

برانلی، یان (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل در اواخر قرن ۲۰*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

بهستانی، مجید (۱۳۸۷). «دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل جدید»، *فصلنامه گواه دانشگاه امام صادق (ع)*، شماره ۱۲: ۱۵۰-۱۴۷.

پطروس غالی، پطروس (۱۳۸۰). «سازمان ملل متحد و اقدامات حقوقی جامع برای مبارزه با تروریسم»، ترجمه سید قاسم زمانی، *آموزه‌های حقوقی دانشگاه رضوی*، شماره ۱: ۱۴۵-۱۱۶.

ثقفی، ناصر (۱۳۷۰). *سازمان ملل متحد: مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین‌الملل*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

جوینر، کریستوفرسی (۱۳۸۷). *حقوق بین‌الملل در قرن ۲۰*، مترجمان: عباس کدخدائی و امیر ساعد وکیل، تهران: نشر میزان.

حسینی، ابراهیم (۱۳۹۱). *جهاد و اصل منع توسل به زور در اسلام*، قم: انتشارات مؤسسه پژوهشی امام خمینی.

حسینی، محمد؛ مهرداد محمدی و یاسر مکرمی (۱۳۹۸). «تأملی بر وضعیت حقوقی به‌کارگیری پهپاد علیه تروریسم»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*، شماره ۱: ۳۱۰-۲۹۱.

خیبری، کابک و مارال دربندی (۱۳۹۰). «حقوق بین‌المللی و مسئله تروریسم»، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، شماره ۱۷: ۱۷۸-۱۵۱.

خسروی، علی اکبر (۱۳۸۵). *دفاع مشروع و محاکم بین‌المللی*. قم: فرا گفت.

دولت‌شاه، حجت (۱۳۸۸). *منشور سازمان ملل متحد*. چاپ پنجم. تهران: انتشارات مجد.

- دهنوی، وحید؛ مصطفی تقی‌زاده انصاری و فتح‌الله رحیمی (۱۴۰۱). «مسئولیت بین‌المللی امریکا در قبال ترور شهید سردار سلیمانی و ظرفیت‌های حقوقی پیگیری قضایی ایران». *نشریه علمی آفاق امنیت*. شماره ۴۸: ۱۶۰-۱۳۹.
- رشیدی، مهناز و علی مشهدی (۱۳۹۹). «مهم‌ترین راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در واکنش به ترور سردار سلیمانی». *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*. شماره ۲: ۹۰-۶۳.
- زرشنان، شهرام (۱۳۸۶). «شورای امنیت و تعهدات دولت‌ها برای مقابله با تروریسم». *مجله حقوقی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری*. شماره ۳۶: ۹۴-۵۷.
- ستایش‌پور، محمد و زهرا ملکی‌راد (۱۴۰۱). «شهادت سردار سلیمانی در پرتو حقوق بین‌الملل کیفری». *تمدن حقوقی*. شماره ۱۱: ۳۷۵-۳۵۵.
- ساعد، نادر (۱۳۸۹). *منابع حقوق مبارزه با تروریسم در ایران*. تهران: انتشارات خرسندی.
- سلامتی، یعقوب (۱۳۸۷). *تروریسم و حقوق بین‌الملل*. هشترود: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی هشترود.
- سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۸۶). *نقش اسلام در توسعه حقوق بین‌الملل*. چاپ دوم. قم: مؤسسه امام خمینی.
- سلیمی، صادق (۱۳۹۳). «ارتباط شورای امنیت و دیوان بین‌المللی کیفری». *فصلنامه حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی*. شماره ۴۳: ۱۸۴-۱۶۳.
- شریفی، حسین و ویکتوریارین چهار بخش (۱۳۹۲). «دفاع مشروع بازدارنده در قرن ۲۱». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی*. شماره ۴۰: ۳۶-۱۰.
- صادقی، دیدخت (۱۳۹۰). «تحول در مفهوم اصل عدم‌مداخله در حقوق بین‌الملل». *فصلنامه مطالعات حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی*. شماره ۱۶: ۱۲۸-۹۳.
- صفایی، حسین (۱۳۶۷). «مداخله در امور کشورهای دیگر در حقوق بین‌الملل». *مجله حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری*. شماره ۹: ۴۰-۵.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸). *حقوق بین‌الملل عمومی*. چاپ ۳۷. تهران: گنج دانش.
- ظریف، محمدجواد و محمد آهنی امینه (۱۳۹۱). «دفاع مشروع پیشدستانه مشروعیت کاربرد زور در روابط بین‌الملل یا نقض مکرر منشور ملل متحد». *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی*. شماره ۱۲: ۸۲-۴۱.

- عظیمی، عباسعلی (۱۳۹۲). *حقوق بین‌الملل اسلام*. چاپ دوم. تهران: نشر دادگستر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷). *فقه سیاسی*. جلد سوم. تهران: نشر امیرکبیر.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۳). *فقه سیاسی*. جلد پنجم. تهران: نشر امیرکبیر.
- عباسی، مجید (۱۳۷۰). «مداخلات بشردوستانه و تجدید حاکمیت ملی». *مجله سیاسی - اقتصادی* موسسه اطلاعات. شماره ۱۷۵: ۹۷-۹۰.
- غمامی، محمدمهدی (۱۳۹۵). «چالش‌های حقوق بشری و شهروندی در مبارزه با تروریسم». *فصلنامه آفاق امنیت دانشگاه امام حسین (ع)*. شماره ۳۳: ۱۰۳-۸۳.
- فضالی، مصطفی (۱۳۹۹). «ترور سردار سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل توسل به‌زور». *فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب*. شماره ۲: ۱۸۸-۱۵۱.
- قاسمی، علی و بارین، ویکتور (۱۳۹۱). «تهدید به‌زور و حقوق بین‌الملل». *فصلنامه پژوهش حقوق دانشگاه علامه طباطبائی*. شماره ۳: ۱۵۶-۱۳۳.
- کاسسه، آتونبو (۱۳۷۰). *حقوق بین‌الملل در جهان نامتحد*. ترجمه مرتضی کلانتریان. تهران: دفتر خدمات حقوق بین‌المللی.
- مافی، همایون (۱۳۹۴). *مجموعه قوانین حقوق بین‌الملل*. چاپ سوم. تهران: نشر مجد.
- محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۳). *حقوق بشردوستانه بین‌المللی رهیافت اسلامی*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مسئولیت بین‌المللی دولت (۱۳۸۷). *طرح تدوین شده کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل*. ترجمه نصرت‌الله حلمی. تهران: نشر میزان.
- محمدعلی‌پور، فریده (۱۳۸۳). *دفاع مشروع بر اساس ماده ۵۱ منشو ملل متحد و با تأکید ویژه بر جنگ عراق علیه ایران*. تهران: نشر فرهنگ گستر.
- موسوی، فضل‌الله؛ سیدحسین موسوی و سروش سیدیان (۱۳۹۴). *حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق بین‌الملل*. تهران: انتشارات دادگستر.
- میرمحمدی، مصطفی (۱۳۹۱). *اصل عدم‌مداخله در اسلام و حقوق بین‌الملل*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.

مبینی، احمدرضا؛ جواد مبینی و پوریا عسگری (۱۳۹۹). «قاعده منع توسل به زور و حمله آمریکا و متحدانش به سوریه در خلال سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۴». *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران*. شماره ۱: ۳۳۲-۳۱۱.

ممتاز، جمشید و بهزاد صابری (۱۳۹۱). «تأثیر رویه بعدی دولت‌ها بر اصل منع تهدید و توسل به زور». *فصلنامه راهبرد پژوهشگاه تحقیقات راهبردی*. شماره ۳: ۲۰۲-۱۷۶.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۰). «ملاحظات در باب تروریسم». *تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*، شماره ۱۲۹: ۲۰۸-۱۸۵.

نصیری، رضا (۱۳۹۳). «تقابل حق دعوت به مداخله دولت حاکم و حق تعیین سرنوشت داخلی مردم در حقوق بین‌الملل». *فصلنامه تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی*. شماره ۲۵: ۱۳۵-۹۹.

Brownlie, I. (1963), *International Law and the Use of Force by States*, Oxford: Clarendon Press.

Encyclopedia of public international law, North Holland Company. Vol3. (A-M)

International Law Commission Yearbook (1950- Vol.1).

International Law Commission Yearbook (1966- Vol.2).

Martin, E.A. & Law.J. (2006), *a Dictionary of Law*, Oxford: Oxford University Press.

UN Doc. A/RES/2131/20 of 21 December 1965.

Yearbook of the International Law Commission, 1944, P. 287 s.

Case Concerning Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua, ICJ Reports 1986.

Schachter, O. (1984), "The Right of States to Use Armed Force", *Michigan Law Review*, No. 82.

Sadurska, R. (1988), "Threats of Force", *American Journal of International Law*, No.82.

General Assembly, Declaration on the Inadmissibility of Intervention in the Domestic Affairs of States and the Protection of Their Independence and Sovereignty, Resolution ۲۱۳۱ (XX), ۲۱ December ۱۹۶۵.

<https://aftabnews.ir/fa/news/629885>

<https://fa.shafaqna.com/news-archives/864871>

<https://www.khabaronline.ir/news/1341754>

<https://www.khabaronline.ir/news/1343406>

<https://www.irna.ir/news/83618452>

<http://www.isna.ir/news/98112719630>

[www.mashregnews.ir/news/1026290](http://www.mashregnews.ir/news/1026290)

<http://css.ir/fa/content/115001>